





دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه: زبان و ادبیات فارسی

فرهنگ اشعار مجیرالدین بیلقانی

استاد راهنما:

دکتر ابراهیم رنجبر

استاد مشاور:

دکتر محمد یآوری

توسط:

خدیدجه عباسی سورمی

دانشگاه محقق اردبیلی

تابستان ۱۳۹۱

تقدیم به

پدر، مادر



و

مجموعه نهم زبان

## سپاس‌گزاری

### اللهم إني أسئلك بجدك أن توزعني شكر

خداوندا مسألت دارم به جودت که بیاموزی به من سپاس‌گزاری را  
خداوند را شاکرم که به من توفیق گام نهادن در عرصه‌ی علم و دانش را عطا فرمود.  
از خانواده‌ی عزیزم به خاطر تمام مهربانی‌ها و یاری‌هایشان که همواره مایه‌ی دلگرمی و امید بنده  
بوده‌اند، تشکر می‌کنم. از استاد فرزانه جناب آقای دکتر ابراهیم رنجبر که دو سال، افتخار شاگردی  
ایشان را داشتم سپاس‌گزارم که راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند. از جناب آقای دکتر محمد  
یاوری تشکر می‌کنم که استاد مشاور این پایان‌نامه بودند و ما را از راهنمایی‌های خود بهره‌مند کردند.

نام خانوادگی دانشجو: عباسی سورمی	نام: خدیجه
عنوان پایان نامه: فرهنگ اشعار مجیرالدین بیلقانی	
استاد راهنما: دکتر ابراهیم رنجبر استاد مشاور: دکتر محمد یآوری	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: زبان و ادبیات فارسی
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	تاریخ فارغ التحصیلی: ۹۱/۶/۲۶ شماره صفحه: ۳۲۶
کلید واژه‌ها: فرهنگ نویسی، دیوان شعر، مجیرالدین بیلقانی.	
<p><b>چکیده:</b> علم لغت به هر زبانی که باشد عبارت است از دانستن و پی بردن به معانی کلمات آن زبان، زبان و تمام عناصر آن پیوسته در حال تحول است. کتاب لغت نباید از این تغییر و تحولات دور بماند، بلکه می‌باید آینه‌ی تمام نمای آن باشد. در این پایان‌نامه مجموعه‌ی لغات، اصطلاحات، ترکیبات و تعبیرات مشکل دیوان مجیرالدین بیلقانی را که قریب به پنج هزار بیت دارد و مشحون به قصاید، غزلیات، قطعات، ترکیب‌بندها و رباعیات شیرین و خواندنی است شرح داده‌ایم. یک واژه‌ی مشکل را مدخل قرار داده و واژه‌های مترادف را به آن ارجاع داده‌ایم. هر جا که از تجمع یا بررسی ارتباط دو واژه مفهومی جدید یا معنایی حاصل می‌شود که بر همگان معلوم نیست، رابطه‌ی آن‌ها را با واو نشان داده‌ایم. مثلاً شاعر یار غار را به ابوبکر نسبت داده است، آن را ذیل ابوبکر و یار غار بررسی کرده‌ایم. مجیرالدین مفاهیم و مضامین زیادی را در شعر خود به کار برده است با بررسی لغات موجود در اشعار او بسیاری از ظرفیت‌های ناشناخته‌ی زبان فارسی برای ما آشکارتر می‌شود و در عین حال با علوم و رسوم و اسباب زندگی و سخنان شایع زمان او آشنا می‌شویم.</p>	

## فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
فصل اول: کلیات	
۱-۱- مقدمه.....	۲
۱-۲- تعریف مسأله و فرضیات.....	۳
۱-۳- سؤالات پژوهش.....	۳
۱-۴- ضرورت پژوهش.....	۴
۱-۵- اهداف پژوهش.....	۴
فصل دوم: مبانی نظری	
۲-۱- مبانی نظری.....	۷
۲-۲- تعاریف.....	۷
۲-۲-۱- فرهنگ.....	۷
۲-۲-۲- اصطلاح.....	۷
۲-۲-۳- ترکیبات.....	۸
۲-۲-۴- تعبیرات.....	۸
۲-۲-۵- مدخل.....	۸
۲-۲-۶- شواهد کلامی.....	۸
۲-۲-۷- ارجاع.....	۸
۲-۳- مجیرالدین بیلقانی.....	۸
۲-۴- پیشینه‌ی پژوهش.....	۹
فصل سوم: بحث	
۳-۱- الف.....	۱۲
۳-۲- ب.....	۴۳
۳-۳- پ.....	۶۴
۳-۴- ت.....	۷۱

۸۲.....	ث-۵-۳
۸۴.....	ج-۶-۳
۹۳.....	چ-۷-۳
۹۹.....	ح-۸-۳
۱۰۸.....	خ-۹-۳
۱۲۶.....	د-۱۰-۳
۱۴۲.....	ذ-۱۱-۳
۱۴۳.....	ر-۱۲-۳
۱۵۶.....	ز-۱۳-۳
۱۶۵.....	ژ-۱۴-۳
۱۶۶.....	س-۱۵-۳
۱۸۷.....	ش-۱۶-۳
۱۹۸.....	ص-۱۷-۳
۲۰۶.....	ض-۱۸-۳
۲۰۷.....	ط-۱۹-۳
۲۱۶.....	ظ-۲۰-۳
۲۱۷.....	ع-۲۱-۳
۲۳۰.....	غ-۲۲-۳
۲۳۳.....	ف-۲۳-۳
۲۳۸.....	ق-۲۴-۳
۲۴۷.....	ک-۲۵-۳
۲۵۹.....	گ-۲۶-۳
۲۶۵.....	ل-۲۷-۳
۲۷۰.....	م-۲۸-۳
۳۰۰.....	ن-۲۹-۳

۳۰-۳- و ..... ۳۱۴

۳۱-۳- ه ..... ۳۱۷

۳۲-۳- ی ..... ۳۲۳

فصل چهارم: نتایج

۳۱-۴- نتیجه گیری ..... ۳۲۹

منابع ..... ۳۳۱

چکیده انگلیسی

فرم ارزیابی به زبان انگلیسی



## فهرست علائم اختصاری

عنوان.....	علائم اختصاری.....
امثال حکم.....	ام
حسن انوری.....	انوری
برهان قاطع.....	برهان
تحفه الاحباب.....	تحفه
منصور ثروت.....	ثروت
حدود العالم الی مشرق الی مغرب.....	حدود العالم
سرمه ی سلیمانی.....	سرمه
فرهنگ فارسی عمید.....	عمید
غیاث اللغات.....	غیاث
فم.....	فرهنگ معین
زهرا خانلری.....	کیا
لغت نامه دهخدا.....	لن
منصور میرزانی.....	میرزانی
ناظم الاطبا.....	ناظم
افتادگی در نسخه ی اصلی.....	.....

# فصل اول

## کلیات

## ۱-۱- مقدمه

کسی که شعر شاعری را می‌خواند، علاقه‌مند به دانستن معنی بیت‌های اوست و به صرف این گفته که: دوره‌ی این شعرها گذشته و یا این گونه ادبیات کهنه شده و توجیه‌هایی از این قبیل، از بهره‌مندی و کنجکاوی باز نمی‌ایستد. چنین پژوهنده‌یی اگر در فهم بیت‌های مجیرالدین بیلقانی و یا دیگر شاعران دچار اشکال شود، فرهنگ‌های این چنینی برای او راه‌گشا خواهد بود.

«زبان که وسیله‌ی تفهیم و تفاهم و بیان نیت و مقاصد است باید تا حد امکان کامل و جامع باشد تا برای بیان افکار و به وجود آمدن آثار ارزنده‌ی علمی و ادبی و صنعتی و هنری بتواند نقش خود را به درستی انجام دهد، کمال زبان بستگی به کثرت لغت لازم و وسعت آن دارد و هنگامی این تکامل محسوس است که واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های اساسی و صحیح برای آن نوشته شده باشد. ادبیات فارسی که نیز در نتیجه‌ی قدرت فکر و باریک‌بینی و طبع لطیف و نکته‌پردازی گویندگان و سخن‌سرایان به وجود آمده به وسیله‌ی همین زبان بیان شده و چون شامل مطالب حکمت‌آمیز و فنون مختلف است شهرت جهانی یافته است» (سیاح، ۱۳۷۶: مقدمه).

«زبان فارسی، یکی از تواناترین و پرمایه‌ترین زبان‌های زنده‌ی جهان است. قدمت زبان فارسی به ما می‌آموزد که در نگاهداشت و ترویج آن بکوشیم و در تدوین لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها، قدم برداریم» (قریب، ۱۳۷۰: ۳).

«فرهنگ‌نویسی، زبان را توصیف و شکل و ماهیت آن را ثبت می‌کند. رواج فرهنگ‌نویسی‌ها، به ما کمک می‌کند تا در مقابل هر مفهوم جدید، واژه‌ای پیدا کنیم و محتاج استفاده از واژه‌های بیگانه نباشیم» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۶۳).

شعر مجیرالدین بیلقانی این قابلیت را دارد که بتواند معیاری برای سنجش زبان فارسی در قرن ششم هجری قمری باشد. او مفاهیم و مضامین زیادی در شعر خود به کار برده است و بررسی لغات موجود در اشعار مجیرالدین بسیاری از ظرفیت‌های ناشناخته‌ی زبان فارسی را برای ما آشکارتر می‌کند. در این پایان‌نامه، بسیاری از لغات، اصطلاحات، ترکیبات و تعبیرات مشکل در اشعار مجیرالدین را مطالعه و

بسیاری از لغات متداول و پراهمیت در کلام او را جمع‌آوری کرده و با استفاده از فرهنگ‌لغت‌های مختلف معنی لغات را نوشتیم. معانی لغات فهم اشعار مجیرالدین بیلقانی را برای مخاطب آسان می‌کند.

### ۱-۲- تعریف مسأله و فرضیات

«فرهنگ نویسی: شاخه‌ای از ادبیات که به گردآوری، رده بندی و تعریف واژه‌های یک زبان یا یک رشته اختصاص دارد» (صدری افشار، ۱۳۸۳: ۷۲۱).

«وجود فرهنگ‌های بسامدی و واژه‌نما برای آثار ادبی، امروزه دیگر امری ضروری، بلکه از امور ناگزیر است. بدون اطلاعات داده شده توسط فرهنگ‌ها، هرگونه تحقیق حتی در جزئیات، کاستی دارد و قابل اطمینان نیست» (صدیقیان، ۱۳۸۳: ۷).

زبان پدیده‌ای اجتماعی است که چون دیگر نهادهای اجتماعی در گذر زمان دگرگونی‌ها و تحولاتی را به خود پذیرفته است. بخش اعظم تحولات زبانی برآمده از تحول اجتماعات بشری است و همراه با شدت ضرب آهنگ این تحولات، مثلاً با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، پیشرفت‌های علمی و صنعتی، گسترش علوم و فنون و انقلاب اجتماعی، دگرگونی زبان نیز گستردگی بیشتری می‌یابد. این دگرگونی می‌تواند در حوزه‌ی دستوری، واجی و واژگانی باشد. دگرگونی در واژگان بیشتر از نوع ورود واژها و اصطلاحات علمی و فنی و همگانی جدید و یا افزایش میزان کاربرد برخی از واژها، فراموش یا منسوخ شدن و یا کاهش میزان کاربرد برخی از کلمه‌ها، گسترده شدن حوزه معنایی واژه‌های موجود و یافتن معنای مجازی، کنایی و... یا محدود شدن حوزه‌های معنایی آنهاست.

به مدد فرهنگ می‌توان به ژرفای خصوصیت‌هایی که بر دیوان مجیرالدین بیلقانی جنبه‌ی راز رازورزانه افکنده است راه برد. خواننده می‌تواند واژگان، عبارات، تصویرها و مصراع‌ها را برانداز و مطالعه کند و از ارتباطشان برای رویارویی با مسایل سبکی و زبان‌شناختی دیوان یاری جوید.

### ۱-۳- سؤالات پژوهش

- ۱- تنوع واژگانی در آثار مجیرالدین بیلقانی تا چه حدی است؟
- ۲- واژگان مورد استفاده در دیوان مجیرالدین بیلقانی تا چه حدی برای امروز کاربردی است؟
- ۳- طرز واژه سازی مجیرالدین بیلقانی چگونه است؟
- ۴- مفاهیم به کار رفته در واژگان دیوان مجیرالدین بیلقانی بیشتر مربوط به چه حوزه‌ای می‌شود؟
- ۵- چه واژگانی در دیوان مجیرالدین بیلقانی بسامد بالایی دارند؟

#### ۴-۱- ضرورت پژوهش

اگر بخواهیم ادبیات درخشان گذشته‌ی ما، به صورت درس علمی درآید و شعبات آن را علوم ادبی بنامیم و نه مباحثی برخاسته از روی سلیقه‌های شخصی، باید به تهیه‌ی فرهنگ پرداخت.

«زبان فارسی زبان مردمانی است که از لحاظ فرهنگ و تمدن سابقه‌ی تاریخی بس دراز و درخشانی دارد. هر قدر ذهن توسعه و رشدش بیشتر باشد و معانی زیاده‌تری درک کند به همان نسبت حاجتش به الفاظی که بتوانند آن معانی را برسانند بیشتر خواهد بود» (دهخدا، ۱۳۷۶: ۵).

از ویژگی‌های فرهنگ نگاری فارسی، وابستگی زبان به فرهنگ پر دامنه و دیرپای ایرانی است. هزاران واژه و تعبیر منبعث از آداب و رسوم اجتماعی، مهر لغوی خورده است که باید جایی در فرهنگ داشته باشد، و این خود حوزه‌ی ترکیبات و تعبیرات فرهنگ‌های فارسی را غنی‌تر از فرهنگ‌های مشابه در زبان‌های دیگر نشان می‌دهد.

فرهنگ نگاری، کار پر خطری است که هر قدر مجهز به نظریه‌های درست باشند. خالی از کاستی نخواهد بود.

«غرض از تمهیدات علمی مشخصاً نبودن گنجینه‌ی واژگان زبان فارسی (بانک زبان)، نبودن نظریه‌ی عمومی فرهنگ نگاری در زبان فارسی، نابسامانی در خط فارسی و نبودن دستور خط معیار و فقدان منابع غنی ریشه‌شناسی مورد نظر است» (انوری، ۱۳۸۶: ۱۱).

اساساً تألیف فرهنگ در هر علمی فواید گوناگونی دارد که بر اهل زبان پوشیده نیست. و بیشترین فایده‌ی آن عاید دانش‌جویان است.

بنابراین شناساندن و معرفی کتاب مجیرالدین بیلقانی ما را بر آن داشت که به بررسی فرهنگ اشعار او بپردازیم.

#### ۵-۱- اهداف پژوهش

- ۱- شرح لغات، اصطلاحات، ترکیبات و تعبیرات مشکل دیوان مجیرالدین بیلقانی که فراگرفتن آن‌ها به فهم اشعار این شاعر نامدار فارسی کمک کند.
- ۲- آشنایی با طرز ترکیب سازی مجیرالدین بیلقانی.
- ۳- کمک به گسترش دایره‌ی لغات فارسی.

۴- کمک به فهم آسان دیوان مجیرالدین بیلقانی که از استوانه‌های محکم سبک آذربایجانی (عراقی) محسوب می‌شود.

۵- نشان دادن واژگانی که در دیوان مجیرالدین بیلقانی بسامد بالایی دارند.

## فصل دوم

مبانی نظری، تعاریف و پیشینه‌ی تحقیق

## ۲-۱- مبانی نظری

هر که با شعر شاعری سروکار دارد به مجموعه‌ای نیازمند است که معانی بسیاری از کلمات مربوط به آن را در بر داشته باشد و اطلاعات لازم را برای مهار کردن واژگان در اختیار او بگذارد. هدف از تدوین فرهنگ «الفبایی» جواب‌گویی به این نیاز است و به دست دادن بازتابی نوین و تصویری زنده از اشعار فارسی است.

«ایرانیان، از زمان‌های دور به تدوین انواعی از فرهنگ‌نامه‌ها می‌پرداختند، فرهنگ نگار ایرانی، با میراث فرهنگی بسیار گسترده‌ای سروکار دارد که فرهنگ‌نگار یک جامعه‌ای که تاریخ دور و درازی ندارد از آن برکنار است» (انوری، ۱۳۸۶: ۱۳).

«صرف نظر از برخی فرهنگ‌نامه‌ها که در دوره‌ی پهلوی نوشته شده‌اند در دوره‌ی اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی - قرن سوم، چهارم و پنجم - نمونه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد ایرانیان، هم‌چنان که در علوم و فنون دیگر، پیشرفت‌هایی داشته‌اند، در امر مهم فرهنگ‌نگاری هم اهتمام ورزیده‌اند. قدیمی‌ترین کتابی که در این زمینه نوشته شده «لغت نامه» تألیف ابو منصور علی بن احمد اسدی طوسی است که به نام فرهنگ یا لغت فرس اسدی معروف است» (نفیسی، ۱۳۳۷: ۱۷۹).

## ۲-۲- تعاریف

### ۲-۲-۱- فرهنگ

«فرهنگ عبارت است از کتابی که حاوی بخشی از واژه‌های یک زبان است که معمولاً به ترتیب الفبایی آرایش می‌یابد و با اطلاعاتی درباره‌ی معانی، تلفظ، املا و مانند آن‌ها به یک زبان یا زبانی دیگر همراهند» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۵۳).

### ۲-۲-۲- اصطلاح

«آنچه در عرف اهل علوم و فنون، اصطلاح خوانده می‌شود، واژه‌ها و تعابیر خاصی است که برای افاده‌ی معنایی خاص وضع شده، یا بر اثر کثرت استعمال در هر علم و فن، به تدریج معانی خاص از آن اراده شده و حالت اصطلاحی یافته است. مفاهیم لغوی کلمات، یا تعیینی است یعنی با قصد و اراده



وضع می‌شود، و یا تعینی است یعنی واژه‌ای به تدریج معنای لغوی و مطابقی خود را از دست می‌دهد و در یک علم جنبه‌ی اصطلاحی می‌یابد» (سجادی، ۱۳۷۴: مقدمه).

### ۲-۲-۳- ترکیبات

«ترکیبات: جمع ترکیب، تحلیل عبارت‌ها و جمله‌هاست از لحاظ روابط کلمات بر طبق قواعد نحو» (فرهنگ معین ذیل ترکیب).

### ۲-۲-۴- تعبیرات

«تعبیرات: جمع تعبیر، به عبارت آوردن. شرح دادن» (فرهنگ معین ذیل تعبیر)

### ۲-۲-۵- مدخل

«مدخل واژه‌ای است که معمولاً با حروف درشت و مشخص‌تر نسبت به واژه‌های دیگر نوشته می‌شود و در مورد آن توضیح داده می‌شود. مدخل، واحد فرهنگ لغت و مرکب از یک واژه و اطلاعاتی است که در مورد آن داده می‌شود» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۶۷).

### ۲-۲-۶- شواهد کلامی

«نقش اصلی شواهد کلامی عبارت است از نشان دادن واژه در بافت زنده و واقعی و محیط طبیعی آن و در نتیجه، کمک به تسهیل درک قواعد معنایی و دستوری حاکم بر کاربرد واژه و افزون‌تر کردن فایده‌ی کاربرنده از فرهنگ و برانگیختن علاقه‌ی او به فرهنگ است» (همان، ۱۶۶).

### ۲-۲-۷- ارجاع

«ارجاع عبارت است از فرستادن و هدایت کاربرنده به سمت واژه‌ها یا اطلاعات مرتبط با واژه‌ی مدخل در جای دیگری از فرهنگ تا ارتباط بین آن‌ها مشخص شود، درک اطلاعات مربوط به واژه‌ی مدخل تسهیل گردد، اطلاعات جدیدی بر آن افزوده شود و ابهامات بر طرف گردد» (همان، ۱۷۶).

### ۲-۳- مجیرالدین بیلقانی

«ابوالمکارم مجیرالدین بیلقانی از مردم بیلقان بود که گویا از مادری ارمنی‌نژاد در آنجا متولد شد.

طفلان طبع من به صفت ترک چهره‌اند وین طرفه‌تر که ارمنی بود مادرم

لقب شاعری وی که ظاهراً مأخوذ از لقب یا اسم او بوده است، در اشعار وی «مجیر» است و معاصرانش نیز او را با همین عنوان یاد کرده‌اند.

در حضرتت مجیر به فر مدیح تو شیرین حدیث و خوش سخن و روح پرورست

از آغاز زندگانی او اطلاعی در دست نیست ولی این نکته تقریباً مسلم است که تحصیلات ادبی و شعری خود را نزد خاقانی آموخته است و این مطلب علاوه بر اشاره‌ی تذکره نویسان از گفتار خاقانی نیز بر می‌آید.

جرم ز شاگرد پس عتاب بر استاد      اینت بد استاد اصدقای صفاهان

مجیر به سال ۵۸۶ فوت شد و قبر او در مقبره‌الشعراى تبریز است. دیوان مجیر قریب به پنج هزار بیت دارد که مملو از قصاید عالی و غزل‌های لطیف است. او را باید به حق از شاعران نیکو سخن و خوش قریحه‌ی زمان شمرد. در اشعار او اثر سبک خاقانی تا حدی مشهود است منتهی ۱- مجیر سخنی ساده‌تر دارد. ۲- هیچ‌گاه نتوانسته است قدرت کم‌نظیر استاد خود را در ایجاد ترکیبات بدیع و مضامین و معانی دقیق نشان دهد. ۳- اثر این اقتفا در همه‌ی قصاید او آشکار نیست بلکه مجیر در پاره‌یی از قصاید در همان مسیر عادی و طریقه‌ی معتاد شعر و زبان فارسی در اواخر قرن ششم مشاهده می‌شود.» ( صفا، ۱۳۷۱: ۷۲۱).

#### ۲-۴- پیشینه پژوهش

دیوان مجیرالدین بیلقانی یکی از آثار منظوم ادب فارسی است. اگر چه پژوهش‌هایی در زمینه شناخت تفکر و سبک مجیرالدین بیلقانی در قالب مقاله انجام شده است؛ ولی نوشتن فرهنگ اشعار مجیرالدین بیلقانی مغفول مانده است. یعنی در این مورد تا کنون اثر مستقلی نوشته نشده است. البته برای برخی از آثار منظوم و مثنوی زبان و ادب فارسی فرهنگ‌های اختصاصی نوشته‌اند. به اهم آن‌ها در سطور زیرین اشاره می‌کنیم بدین دلیل که آن‌ها می‌توانند در برخی موارد الگوی کار قرار گیرند.

- گوهرین (۱۳۶۲) در کتاب «فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی مولوی» لغات را از لحاظ موضوع طبقه‌بندی کرده و هر دسته از لغات را با علائم اختصاری که مبین نوع لغت و موضوع آن است، نشان داده است. لغات مشکل کتاب را که معانی اشعار را مبهم و نامفهوم می‌کرد، و یا لغاتی که سراینده‌ی اشعار در معانی خاص به کار برده است، و کنایات، اصطلاحات و لغات نادر و غریب را که در تغییر معانی مؤثرند، آورده است. معانی هر یک از لغات را تعیین و از حیث ملیت کلمه که فارسی است یا عربی و ترکی و از لحاظ موضوع که طبی است یا نجومی و نوع ترکیب و طرز استعمال و تطبیق با قواعد زبان و تشخیص اصول معانی و بیان و غیره مورد بررسی قرار داده است.

- رجائی بخارایی (۱۳۷۳) در کتاب «فرهنگ اشعار حافظ» لغات را طبق حروف الفبا آورده و هر مطلب منتخبی را با سند و یا به صورت عین بیان گوینده‌ی آن نقل کرده است. و تعاریفی را که در فرهنگ‌های مختلف آمده، با ذکر نام فرهنگ آورده است. و در پایان بیتی با ذکر صفحه از کتاب اصلی نقل کرده است.

- سجادی (۱۳۷۴) در کتاب «فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی شروانی» در یکایک ابیات دقت کرده و معانی گوناگون را به دست آورده و ضبط کرده است. کوشش نگارنده بر این بوده است که هرچه بیشتر با دقت و تفحص بسیار و با توجه به همه‌ی مآخذ و آخرین پژوهش‌ها، در یافتن معنی و شرح لغت‌ها و ترکیبات و نیز اشعار وارد شده و بسیاری از نکات مبهم و دشواریاب دیوان خاقانی را در این فرهنگ روشن کرده است. او لغات را طبق حروف الفبا نوشته و معنی آن‌ها را از لغت‌نامه‌های مختلف استخراج کرده است. این اثر کمک شایانی به حل مشکلات ابیات خاقانی کرده است.

- صفاری (۱۳۷۸) در کتاب «فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی‌های سنایی» تمام لغات، ترکیبات و امثال را به ترتیب الفبایی مرتب کرده، و سپس در ذیل هر لغت و ترکیب چند بیت با ذکر شماره‌ی صفحه نقل کرده است. در صورت تعدد ابیات به ذکر شماره‌ی ابیات بسنده کرده است و فهرست‌هایی موضوعی از اصطلاحات عرفانی، فقهی، کلامی، فلسفی، نجومی و طبی به تفکیک در پایان آورده است. او در حقیقت یک فرهنگ بسامدی تهیه کرده است.

روشی که بنده در پیش خواهد گرفت آمیزه‌ای از شیوه‌ی کار سجادی و صفاری است. یعنی هم لغات و اصطلاحات و ترکیبات مشکل را استخراج کرده، شرح کرده هم بسامدتکرار مدخل‌ها را در دیوان مجیرالدین بیلقانی نشان داده‌ایم.

# فصل سوم

بحث